

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی



تاثیر اختلال یادگیری در نوشتن

نویسنده اول: محدثه فلاح تفتی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی، مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل قشم
آدرس پست الکترونیک نویسنده: mahsima.fallah@gmail.com

نویسنده دوم: سمیه فلاح تفتی

کارشناسی ارشد علوم تربیتی برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اصفهان (خوراسگان)
آدرس پست الکترونیک نویسنده: sfalah12@ymail.com

چکیده

بسیارند کودکانی که ظاهری طبیعی دارند، رشد جسمی، قد و وزنشان حاکی از بهنجار بودن آنان است، هوش کم و بیش عادی دارند، به خوبی حرف می زنند و مانند سایر کودکان بازی می کنند، مثل همسالان خود با سایرین ارتباط برقرار می کنند، در خانه نیز خود یاری های لازم را دارند و کارهایی را که والدین به آنها می سپارند، به خوبی انجام می دهند، و از رفتار و اخلاق عادی برخوردارند، لیکن زمانی که به مدرسه می روند و می خواهند خواندن و نوشتن و حساب یاد بگیرند دچار مشکلات جدی می شوند، این کودکان به تدریج درمی یابند که سایر کودکان از نظر وضع درسی بهتر از آنها هستند و احساس حقارت را تجربه می کنند و کم کم بیزاری از درس و مدرسه در آنها به وجود می آید. نوشتن یک روش بسیار پیچیده ی ابراز عقیده است. هماهنگی مجموعه ای از توانایی های دیداری، نوشتاری، زبان شناختی و ادراکی را در بر می گیرد و آموختنی است و یک فعالیت تفکر و یادگیری است. یکی از عینی ترین مهارت های ارتباطی قابل مشاهده است. دستخط بی نهایت بد و مغشوش را گاهی نارسا نویسی می نامند، این عارضه ممکن است منعکس کننده ی اشکالات زیر بنایی دیگری باشد. این مطالعه ارزیابی و هدایت کودکان خام دست و کم تجربه در نوشتن را در میدان توالی تصحیح دستخط و به علاوه فعالیت و بکارگیری تمام حس ها، روشی را بکار می برند که در امتحان کردن (این دوره) چک لیست ها ملاک و معیار تشخیص و بررسی، پرسشنامه ی معلم و به علاوه مشاهده ی کودکان حین نوشتن می باشد. در نتیجه ی این روش و دانسته ها و مجموعه کارهایی که انجام شده، دستخط توسعه و رشد پیدا می کند و پیشنهادهایی برای به چالش کشیدن کودکان (با دستخط بدون فاصله) و با دانش آموزان با نیاز های ویژه و احتیاجات آموزشی خاص انجام می گیرد.

واژگان کلیدی: کودک، آموزش، اختلال، نوشتن



مقدمه

بسیارند کودکانی که ظاهری طبیعی دارند، رشد جسمی، قد و وزنشان حاکی از بهنجار بودن آنان است، هوش کم و بیش عادی دارند، به خوبی حرف می زنند و مانند سایر کودکان بازی می کنند، مثل همسالان خود با سایرین ارتباط برقرار می کنند، در خانه نیز خود یاری های لازم را دارند و کارهایی را که والدین به آنها می سپارند، به خوبی انجام می دهند، و از رفتار و اخلاق عادی برخوردارند، لیکن زمانی که به مدرسه می روند و می خواهند خواندن و نوشتن و حساب یاد بگیرند دچار مشکلات جدی می شوند، این کودکان به تدریج درمی یابند که سایر کودکان از نظر وضع درسی بهتر از آنها هستند و احساس حقارت را تجربه می کنند و کم کم بیزاری از درس و مدرسه در آنها به وجود می آید. والدین آنها که اغلب از دلایل ناتوانی یادگیری آنها بی خبر هستند، مشکل را بیشتر می کنند و با فشارهایی که به کودک وارد می آورند، دشواری را چند برابر می کنند (احدی، ۱۳۸۲).

بدیهی است این کودکان در مراجعه به هر متخصصی، مشکلی تازه در خود می یابند. هر متخصص مشکل آنها را از دریچه چشم خود نگریسته و تنها بعدی از ابعاد پیچیده آن را زیر ذره بین تخصص خویش قرار می دهد. گفتنی است که در این میان، امر اساسی توجه به این نکته است که در این گونه موارد، ضرورتاً باید به جای تشخیص های انفرادی، از شیوه نظام چند رشته ای سود جست که در آن معمولاً مجموعه ای از تجربیات و تخصص ها توأمان مورد استفاده قرار می گیرد. بدین معنی که با همگام شدن عده ای از متخصصان و یک سو و یک جهت شدن تلاش های مختلفی که از طرف صاحبان فن و تجربه صورت می گیرد، راهی برای تحلیل، تشخیص و درمان اساس مسائل یادگیری گشوده می شود (فریار، ۱۳۷۹).

تعریف اختلال یادگیری

به کودکانی که دارای هوش طبیعی یا بالاتر از آن هستند را، ولی در مهارت های پایه، درک و فهم، گوش کردن، حساب کردن و خواندن و نوشتن و ریاضیات مشکل دارند و در نهایت در یک یا دو درس (ریاضی - خواندن - دیکته اشکال دارند و تفاوت آشکاری بین هوش و عملکرد تحصیلی آن ها وجود دارد.

اختلال یادگیری را دولت فدرال آمریکا در سال ۱۹۷۷ چنین تعریف کرد: اختلال یادگیری ویژه به معنای آن است که در یک یا چند فرایند روانی و فکری اساسی فرد اختلالی رخ می دهد، به طوری که بر فهم و استفاده از زبان شفاهی و کتبی تاثیر بگذارد و در توانایی گوش دادن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن و یا محاسبات ریاضی اختلال رخ دهد و این اختلال معلول شرایط نقص بینایی، شنوایی و نقایص حرکتی و ذهنی و عاطفی نیست (گاتز، گلدشتاین، پرس ۲۰۰۲).

درصد شیوع

در ایران گاهی تا ۱۲ درصد و بیشتر اعمال شده است. ولی طبق DSMIV، حدود ۵ درصد کودکان مدرسه رو، چهار پنجم خواندن، یک پنجم ریاضیات، ۴ درصد اختلال بیان نوشتاری (دیکته - انشا - دستخط) گاهی ۲ تا اختلال با هم است. اختلال نوشتن در پسرها بیشتر است، ۳ برابر دخترها، اختلال خواندن هم. ولی به نظر می رسد اختلال ریاضیات در دخترها بیشتر باشد، البته به نظر می رسد (آماری در دست نیست).

کودکان LD در مهارت های پردازش، آواشناختی و بازشناختی و بازشناسی و مفهوم کلمه مشکل دارند و نمی توانند واج ها (بخش ها) را به کار ببرند و یا بشناسند.

موفقیت در تحصیل عذاب آور است و منجر به دلسردی و عزت نفس پایین، سرخوردگی و روابط ضعیف با همسالان و اختلال افسردگی می شود و با اختلالات ADHD و اختلال ارتباط و اختلال سلوک و اختلال افسردگی همراه است، در نوجوانی ترک تحصیل می کنند و بزرگسالان مشکلات اشتغال و سازگاری اجتماعی دارند (کاپلان و سادوک ترجمه فرزین رضاعی، ۱۳۸۸).

علل

استعداد ژنتیکی، ضایعه پریناتال، اختلال عصبی و اختلالات طبی (خلاصه روان پزشکی، ترجمه فرزین رضاعی). تدریس ضعیف (محیطی و قابل توجه می باشد گاهی معلمان درس بالایی را ارجاع می دهند کلاسی که از ۳۰ نفر را به مرکز LD ارجاع می دهد جای بحث است و تدریس ضعیف و روش نامناسب زمینه ساز است. برخلاف گستره ی عظیم اطلاعاتی که درباره ی زبان شفاهی و اختلالات



خواندن در دست است معلومات درباره ی علت شناسی اختلالات زبان نوشتاری بسیار اندک است. با وجود این می توان به طیف وسیعی از علت های زیستی، ژنتیکی و روانی - اجتماعی و محیطی نسبت داد. کرک، (۱۹۹۱) انواع نارسیایی های آواشناختی زبان بازبایی لغات را در اختلال زبان نوشتاری موثر دانست. همان طور که بی مهارتی های دیداری-فضایی در ایجاد اختلال نوشتاری مؤثر است (به نقل از اکرم وثوقی، ۱۳۸۵).

تعریف نوشتن :

نوشتن یک روش بسیار پیچیده ی ابراز عقیده است. هماهنگی مجموعه ای از توانایی های دیداری، نوشتاری، زبان شناختی و ادراکی را در بر می گیرد و آموختنی است و یک فعالیت تفکر و یادگیری است. یکی از عینی ترین مهارت های ارتباطی قابل مشاهده است (راغب، حجت اله ۱۳۸۴). نوشتن با چند مهارت بسیار مشخص از جمله توانایی نگهداری موضوع در ذهن، تنظیم موضوع، به صورت کلمه، ترسیم گرافیکی شکل هر حرف و کلمه، به کار گیری صحیح ابزار نوشتن و داشتن حافظه ی دیداری-حرکتی کافی ارتباط دارد (والاس و مک لافلین، به نقل از پوشنه و صمدی، ۱۳۸۲).

نوشتن یک عمل عمدی است که کودک باید به کسب آن نایل آید. این اکتساب مستلزم تحول ظرفیت های حرکتی پایه به حد کافی است. توانایی نگهداری ابزار نوشتن به گونه ای که در عین حال محکم، منعطف و هدایت کردن آن در مسیرهای کاملاً معین و فراهم کردن تکیه گاه لازم برای دست و بازو مستلزم هماهنگی های حرکتی پیچیده و توحیدبخشیدن آن در فضا (روی کاغذ) است. تحقیقات نشان داده اند که تحول خط به تحول هوش وابسته است (پرون و مینیار، ۱۹۶۵، به نقل از اکرم وثوقی، ۱۳۸۵).
نوشتن یک عمل اجتماعی است و مانند خواندن توسط مدرسه به کودک پیشنهاد شده است (دادستان، ۱۳۷۶).
مشکلات نوشتن در بین کودکان با صدمه مغزی و کودکان بانارسیایی های ویژه یادگیری اکثر آید می شود. وجود مشکلات پایدار و بنیادین در سنین پایین پیش بینی کننده ی مشکلات آینده است (اکرم وثوقی، ۱۳۸۵).

عوامل دخیل در نوشتن

رشد ذهنی کافی، انگیزه کافی و علاقه، هماهنگی دست و چشم، افتراق بصری، جهت گیری دیداری فضایی، حافظه دیداری، تشخیص برتری جانبی، تصویر ذهنی بدن، نحوه گرفتن مداد، قرار گرفتن کاغذ و نشستن کودک (تبریزی، مصطفی، اختلال دیکته، انتشارات فراروان).
بر طبق P.L ۹۴-۱۴۲ یکی از انواع ناتوانیهای یادگیری، بیان نوشتاری است. از سال ۱۹۷۵ این عنوان مطرح گردید. واژه ی بیان-نوشتاری، هجی کردن و همه ی اشکال دیگر ارتباط کتبی را در بر گرفت.
بیان نوشتاری به ارتباط اندیشه ها با یکدیگر از طریق علائم نگاره ای اشاره دارد. این مسئله مستلزم داشتن فکری برای ارتباط، داشتن زبانی برای بیان افکار، ترجمه ی زبان شفاهی به علائم نوشتاری و توانایی نوشتن این علائم به صورتی که دیگران افکار مورد نظر را بفهمند. علاوه بر دستخط و هجی کردن به عنوان پیش نیاز برای بیان نوشتاری، پیش نیاز مهتر رشد زبان می باشد.
آلی و دیشلر (۱۹۷۹) اظهار داشتند که بسیار احتمال دارد که بزرگسالان مبتلا به ناتوانی یادگیری در سنین اولیه کودکی، در زمینه ی شنیدن، صحبت کردن و نوشتن مشکلاتی داشته اند.
فلپزو تراساکی (۱۹۸۲) اظهار داشتند که علاوه بر تحول زبان «عمل نوشتن نیازمند تواناییهای بصری مختلفی است که به آرای با مهارت-های مناسب هماهنگ شده و یکپارچه می شوند» (ترجمه ی سیمین رونقی و همکاران، ۱۳۷۷).

مهارت های مرتبط با نوشتن

دستخط، هجی کردن (دیکته)، انشا (تفکر با صدای بلند)
دست خط نیازمند ادراک دقیق الگوهای نمادین گرافیکی است. (لرنر، ۱۹۹۳). مهم نیست که یک نوشته تاجه اندازه غنی باشد، اما اگر به قدری ناخوانا باشد که نتوان آن را خواندنی فایده است. کاستی های نوشتن بانام مشکلات دیداری، حرکتی (جانسون و مایکل باست ۱۹۶۷) و نارسانووسی (جوردن، ۱۹۷۷) خوانده شده است. افزون بر مهارت های حرکتی ضعیف مشکلات با دست می تواند اختلال جهت یابی یا حتی مشکلات انگیزشی باشد. برخی از کودکان مبتلا به کاستی های نوشتن قادر نیستند مداد را به درستی با دست بگیرند، در حالی که برخی دیگر در نوشتن حروف بخصوص دشواری دارند (والاس و مک لافلین، به نقل از حجت اله راغب ۱۳۸۴).



دیس گرافی (اختلال دستخط) :

این اصطلاح برای کودکانی که علی رغم هوش طبیعی، بسیار بد می نویسند به کار می رود. هر گونه آینه نویسی یا وارونه نویسی یا بسیار بدخط می نویسند، برخی محققان عقیده دارند که بد نویسی بین کودکان به دلیل عدم هماهنگی حرکتی آنان است. نوشتن باید برای دیگران قابل خواندن باشد (نادری، سیف، ۱۳۸۲).

عوامل مهم نارسا نویسی

۱. عدم مهارت های پایه ای مانند چرخاندن، فشار دادن، گرفتن و امثال آن.
۲. عدم رشد مهارت ها و هماهنگی حرکتی و حرکت های ظریف که برای نوشتن ضروری هستند.
۳. عدم حرکت مناسب انگشتان
۴. عدم هماهنگی چشم و دست.
۵. عدم توانایی کنترل بازو و دست و عضلات انگشتان.
۶. عدم یادگیری مفاهیم پایه مانند بالا، پایین، زیر و رو.
۷. وضعیت قرار گرفتن نامناسب به هنگام نوشتن.
۸. فاصله ی نامناسب سر کودک با کاغذ به هنگام نوشتن.
۹. استفاده از میز و صندلی و مداد نامناسب.
۱۰. دست گرفتن مداد
۱۱. دشواری در حفظ تجارب و تاثیرات دیداری.
۱۲. بی قراری و پر تحرکی.
۱۳. نداشتن انگیزه ی کافی برای خوب نوشتن.
۱۴. تاخیر در تکلم.
۱۵. فقر یا نارسایی آموزشی.
۱۶. اشکال در تبدیل و انتقال ادراک حسی - دیداری به حرکت.
۱۷. خطا در ادراک دیداری واژه ها.
۱۸. عدم هماهنگی کلی بدن (تبریزی، مصطفی، ۱۳۸۴).

دستخط :

دست خط بی نهایت بد و مغشوش را گاهی نارسا نویسی می نامند، این عارضه ممکن است منعکس کننده ی اشکالات زیر بنایی دیگری باشد. (دوئل ۱۹۹۵) دستخط بد ممکن است بازتابی از مشکلات حرکتی ظریف باشد. یعنی کودک قادر نباشد جنبش های حرکتی لازم برای نوشتن یا رونویسی کردن را از روی حروف یا شکل های نوشتاری را به نحوی مؤثر انجام دهد. دانش آموز ممکن است قادر نباشد درون داد اطلاعات دیداری را به برون داد جنبش های حسی ظریف حرکتی تبدیل کند، یا ممکن است در فعالیت هایی که مستلزم دآوری های حرکتی و فضایی است مشکل داشته باشد. مشکلات نارسا نویسی در برخی از دانش آموزان وقتی نمایان می شود که نمی توانند تکلیف دیداری فاصله ی دور یعنی حرف یا واژه ای را از روی تخته سیاه، به تکلیف دیداری فاصله ی نزدیک، یعنی نوشتن آن روی کاغذ تبدیل کند. بعضی ممکن است ضعف در مهارت های حرکتی، نقص ادراک دیداری باشد. آموزش ضعیف نیز ممکن است منجر به بدخطی شود (ژانت لرنر، ترجمه ی عصمت دانش، ۱۳۸۴).



مشکلات مربوط به روان نویسی :

یکی از مشکلات رایج بعضی از دانش آموزان با ناتوانایی های یادگیری روان نویسی است. اکثر این دانش آموزان به قدری کند و با زحمت می نویسند که انگار حروف را نقاشی می کنند (موتس، ۱۹۸۳). کندنویسی، احتمالاً تأثیراتی منفی بر عملکرد فرد در سایر مهارت های بیان-نوشتاری خواهد گذاشت. دانش آموزانی که کند می نویسند، اغلب مطلب را گم می کنند، این امر به ویژه برای دانش آموزانی که مشکلات حافظه نیز دارند موجب می شود آنها به سختی به یاد می آورند که کجای مطلب بودند (هالاها و کافمن، ترجمه ی علیزاده ۱۳۹۰). برخی اوقات دانش آموزان در رونویسی مطلب از جایی دیگر، مشکل ندارند. رونویسی از روی تخته بر روی کاغذ، گاهی اوقات رونویسی از دور نامیده می شود. زمانی که رونویسی از یک سرمشق بر روی میز دانش آموز انجام شود «رونویسی از نزدیک» نامیده می شود. برخی دانش آموزان در «رونویسی از دور» نسبت به «رونویسی از نزدیک» مشکلات بیشتری دارند و این امر لزوماً به دلیل مشکلات آنها در بینایی نیست (همان منبع).

کاستی های دستخط

مشکلات هماهنگی دیداری حرکتی

نارسا نویسی (دستخط بی نهایت بد و ناخوانا است. انگیزش در الگوبرداری محیط نامناسب و فقر آموزشی. آموزش بسیار و تمرین غلط و فقدان رسیدگی و نظارت در کل عوامل درونی و بیرونی در دستخط مؤثر است. اختلال نوشتن رشدی یکی از ناتوانایی های یادگیری در دانش آموزان است که این افراد علی رغم داشتن هوش طبیعی و عملکرد بینایی، شنوایی، رفتاری و روانی و هیجانی مناسب در مهارت های نوشتن مشکل دارند. نوشتن یک مهارت پیچیده است که عوامل متعددی در آن نقش دارند، که یکی از این موارد عملکرد حسی — حرکتی دست می باشد (ناصر حوایی، ۱۳۸۹).

خطاهای متداول دستخط :

- کج نویسی بیش از حد
- راست نویسی بیش از حد
- کم رنگ نویسی بیش از حد
- پرفشارنویسی بیش از حد
- زاویه دار نویسی بیش از حد
- فاصله گذاری
- نامرتب نویسی
- قرینه نویسی
- وارونه نویسی
- جابه جایی حوف
- حذف و اضافه کردن حروف
- سرهم نویسی و جدانویسی

اختلال کنترل حرکتی :

کنترل حالت بدن، سر، بازوها، دست ها و انگشتان و سرعت زیاد و گاهی بد خط و گاهی نامرتب است. در کتاب مک لافلین و والاس، ترجمه منشی طوسی (۱۳۷۰) اظهار می دارد که شماری از کودکان مبتلا به اختلال یادگیری ویژه برای رشد ماهیچه های ظریف دست و انگشتان فاقد تجربه ی کار کردن، چرخاندن، گرفتن و در دست فشردن و یا فشار آوردن بر اجسام هستند (سلیمی، ۱۳۸۷). کودکان دچار هماهنگی برای کاربرد صحیح وسایل و ابزار یا نگارش عذاب می کشند. ناشی گری در مهارت های حرکتی ظریف و درشت منجر به عملکرد ضعیف در ورزش و پیشرفت تحصیلی می شود (کاپلان و سادوک، ۱۳۸۸).



اختلال ادراک بصری :

ادراک یک فرایند روان شناختی است ، که این فرایند ها در تشخیص ، تحلیل ، تعبیر و تفسیر و ادغام اطلاعات حسی درگیرند. کودکانی که در چیدن پازل فاقد مهارت های ادراکی لازم است از تکمیل معما ناکام می شود. ادراک دیداری ناظر است بر تشخیص و طبقه بندی محرک های دیداری در الگوهای معنی دار مانند : توانایی درک تفاوت ها و تشابه ها و تمیز راست و چپ – جهت ها – تشخیص خط عمودی و افقی (پیتر کله، لورناچان، روش ها و راهبردها در تعلیم و تربیت استثنایی) (فرهاد ماهر ، ۱۳۸۶).

نقص درک بینایی:

نقص درک بینایی موجب اشکال در درک حروف می شود. کودکانی که دچار نقص بینایی هستند، در نحوه ی درک شکل و ترتیب حروف مشکل دارند. ممکن است حرف را بیش از حد بزرگ بنویسد، به شکل نادرستی آنها را مرور نماید و فواصل زیادی را بین حروف قرار دهد. کودک باید با دستی که نمی نویسد کاغذ را بگیرد. اگر پای کودک به زمین نمی رسد، استفاده از یک زیرپایی مفید خواهد بود . زبردستی که لیز نمی خورد و نور کافی لازم است، مداد را با سه انگشت بگیرد و مدادگیر در ابتدای نوشتن کودکان، نوشتن را تسهیل می کند (ژانت لرنر، ۱۳۸۴).

ناتوانی های بینایی – حرکتی :

کودکانی که برای ایجاد هماهنگی بین بین حرکاتشان و آنچه که می بینند مشکل دارند، برای تحول آنچه که کپارت آن راجور کردن ادراکی- حرکتی می خوانند ناتوان خواهند بود. مشکلات در هماهنگی بینایی حرکتی می تواند در موارد زیر مشاهده شود، ۱- فعالیت های مداد کاغذی نظیر نوشتن، کپی کردن، ماندن روی خط، تعیین نقطه شروع و توقف در تغییر جهت. ۲- انداختن ۳- گرفتن ۴- بریدن ۵- دست کاری اسباب بازیها یا ابزار ۶- یادگیری هرگونه تملیف هماهنگی بین دست و چشم. هنگامی که کودک مشکلاتی در تلفیق اطلاعاتی که از دو یا چند کانال حسی نظیر ارتباط دادن حرف ن-آن (شنیداری) با کلمه چایی نان (بینایی) دارد، دچار یک مشکل بین حسی خواهد بود (ترجمه سیمین رونقی وهمکاران ۱۳۷۷).

اختلال حافظه بصری :

می توانند صحبت کنند ، بخوانند و رونویسی کنند اما نمی توانند کلمات را از حفظ بیاد بیاورند و آن ها را تولید کنند و توالی حروف را بیاد ندارند .

چپ دستی :

تقریباً ۹۰ درصد کودکان راست دست هستند ، ۸ یا ۹ درصد چپ دست هستند و ۱ تا ۲ درصد دو سو توان هستند . خود چپ دستی مشکلی نیست ولی باید بتوانند در دنیای راست دستان بنویسند و بخوانند. کودکان دو سو توان را باید به سوی راست دستی هدایت کرد. چپ برتری شدید موجب گمگشتگی فضایی ، معکوس سازی ، اغتشاش جهت یابی (تبریزی، مصطفی، ۱۳۸۴).

دانش آموزان چه مشکلاتی در دست خط دارند؟

دست خط مدت ها کانون توجه کسانی بوده است که به ناتوانایی های یادگیری می پرداخته اند. شاید این امر به این دلیل است که افرادی که در نوشتن با ناتوانی هستند، نوشته هایشان بسیار ناخوانا و ضعیف است (به عنوان مثال ناخوانا نوشتن شکل حروف)، در نتیجه یک نمونه ی عینی برای مطالعه به وجود آمده است . هر چند، دست خط یا خوشنویسی وسیله و ابزاری برای رسیدن به هدف است، اما نباید به آن مانند سایر مهارت های مهم، مثل مهارت های مورد نیاز برای صحبت کردن، گوش دادن، خواندن، هجی کردن یا انشای خوب نگریسته شود. گاهی اوقات مشکلات تحت عنوان نارسانویسی شناخته می شوند. نارسانویسی یعنی؛ «اختلال در زبان نوشتاری که در مهارت



مکانیکی نوشتن خود را نشان می دهد، این اختلال به شکل عملکرد نوشتاری ضعیف در کودکانی که دارای هوش دست کم متوسط بوده و هیچ گونه مشکلات عصب شناختی یا معلولیت روانی - حرکتی آشکار ندارند، رخ می دهد» (همسترا- بلتز، و بلوت، ۱۹۹۳ به نقل از باس و وافن، ۲۰۰۲، ص ۲۶۴) (به نقل از هالاها و کافمن، ترجمه ی علیزاده، ۱۳۹۰).

دیسگرافیا :

این اصطلاح برای کودکانی به کار میرود که علی رغم هوش طبیعی بسیار بدمی نویسند، معمولاً آئینه نویسی یا وارونه نویسی دارند. برخی از محققان عقیده دارند که بدنویسی این کودکان به دلیل عدم هماهنگی آنهاست (نادری، سیف نراقی ۱۳۸۲).
دیسگرافیا یک اختلال نوشتن اختصاصی عصب شناسی را توصیف می کند (نیدز، ۲۰۰۹). اما تعریف های متنوعند. بعضی نشان می دهد که دست خط بدون کیفیت به خودی خود یک نوع اختلال است که ذاتاً اختلال حرکتی را آشکار می سازد. یک تعریف دیگر که ارتباط پیوسته دارد با ناتوانی در هجی کردن . هنوز تعریف دیگری نشان می دهد که دیسگرافیا یک اختلال حقیقی نیست. ممکن است کارکرد ضعیف اختصاصی را شرح دهد اما در تمام روشهای گوناگون نوشتن نشان می دهد (ویزینتزر، سیکفل ۲۰۰۹، داوون پی، وینکنت سی، ۲۰۱۱).

ارزیابی و تشخیص :

تشخیص زمانی اهمیت دارد که ما را به سمت درمان هدایت کند. (تبریزی ۱۳۸۴). تشخیص اختلال نوشتن محض (دیسگرافیا) زمانی گذاشته میشود که اختلال به طور قابل ملاحظه ای در پیشرفت تحصیلی یا فعالیت روزمره زندگی تداخل نموده باشد. کودکان دیسگرافیای پس از ورود به مدرسه خیلی زود مشکلاتی در هجی کردن پیدامی کنند. با بالا رفتن سن و رفتن به کلاس های بالاتر جملات کتبی و شفاهی ابتدایی ترو عجیب تر و نسبت به سطوح مورد انتظار پایین تر به نظر می رسد . (آزاد، حوایی، رفیعی، کیهانی- ۱۳۸۶). آزمون هایی که در Dsm4 وجود دارد و آزمون های معلم ساخته که کودک را بر اساس فعالیت مورد انتظار با توجه به سن و هوشبهر و پایه تحصیلی اجرایی شود.

معیار تشخیص:

الف) برتری دست . نوشتن نام کودک توسط خود کودک
در صورت وجود ابهام خط زنی با حداکثر سرعت پنجره کاغذ و باعث گوش برتر و تصویر بدن حرکت با کدام پا.
ب) ناخوانا بودن نوشتن
وضعیت سر و دست و کاغذ و حالت نشستن و بازوها و صندلی مناسب
طریقه مداد گرفتن
خطوط بالا و پایین و کج کردن به راست و چپ
اندازه و شکل
صف بندی
فاصله گذاری
کیفیت
متصل کردن جدانویسی (تبریزی، ۱۳۸۴ و حجت اله راغب، ۱۳۸۴).

معیار تشخیص :

آزمون کننده باید ابتدا ببیند که آیا مشکل کودک قابل توجه است یا خیر.
عمومی ترین مشکلات، اختلال در تنظیم حرکات و نقص درک بینایی است.
کودکی که دچار اختلال در تنظیم حرکات است، می تواند هر عملی که لازمه ی نوشتن هر یک از حروف است انجام دهد. ولی آن قسمت از مغز که که مسئول انجام این اعمال با حفظ توالی آنهاست به درستی کار نمی کند، عنوان نارسایی حرکتی است (ترجمه ی عصمت فاضلی، ۱۳۸۳).



ترمیم ناتوانایی های نوشتن :

معلمان ووالدین کودکان اغلب برای حل مشکلات کودکان از روش قدیمی و منسوخ کمک می گیرند، صرف انرژی و وقت فراوان حاصل چندانی ندارد و به یأس، دل مردگی و سرخوردگی و عصبانیت والدین و خستگی و بی علاقمندی کودک و نهایتاً افت تحصیلی به دنبال خواهد داشت. (تبریزی، ۱۳۸۴)

۱. مهارت های بصری حرکتی

۲. ساخت حروف

مهارت های بصری حرکتی :

مهارت های پیش نیاز ، دست کاری کردن و تغییر وضعیت کاغذ مچاله کردن برای تقویت عضلات ، ابتدا رسم خود آزاد ، کشیدن اشکال ، نقاشی با رنگ گواش و انگشتان ، خطوط ، و استفاده از خط زمینه مهارت های نوشتن اعداد ف مطالب و جزوه و کتاب ، رونویسی متصل کردن حروف و نوشتن

مهارت دست خط پیوسته :

۱. از روی مدل

۲. نوشتن با شنیدن کلمه

تقویت مهارت های حرکتی بصری

آموزش الگوهای حرکتی: هدایت دست کودک و به مرور کاهش هدایت کودک

ترسیم به روی شیشه که الگو زیر آن است

ترسیم ، کپی کردن

در هوا ، چشم بسته

افزایش پسخوراند پوستی : نگهداشتن با دست و چنگ زدن و دستکاری کردن توده ی خمیری و . . . مداد بر روی مداد قرار داده شود تا کودک بهتر مداد را بگیرد

بهبود افتراق بصری:

شبهات ها و تفاوت ها و اندازه اشکال حروف و کلمات و تصاویر

بهبود حافظه بصری : نشان دادن به کودک ، تجسم توسط کودک ، دوباره نگاه کردن و کودک از حفظ بگوید ، بازی ببین و بگوی کلمات (تبریزی، مصطفی، اختلال دیکته ۱۳۸۴) .

ساخت حروف :

اصل مهم ، تمرین کم داده شود و با دقت کار شود ، بچه های کوچک عضلاتشان آن قدر رشد نکرده است که بتوانند چند صفحه بنویسند.

سرمشق دهی ، معلم می نویسد و شاگرد جهت و ترتیب را نگاه می کند.

ترکیب صامت و مصوت و ویژگی های مشترک حروف (بخش و صدا)

و اداری کردن فیزیکی ، استفاده از نقطه چین با هدایت معلم ، شاگرد بر روی آن می نویسد

کپی کردن حرف روی ، خمیر ، ماسه ، نمک ، شن ، خاک رس ، کاغذ سنباده ، شیشه ، آینه ، رنگ گواش



استفاده از روش فرنالند و درگیر کردن تمام حس ها و تکرار خود تصحیحی و فید بک، هر صدا و حرفی که خوانده است پیداکند رنگ بزند و برش دهد.

روش هایی که تعلیم و تربیت در آمریکا را دگرگون ساخته است :

جین آیرس : نظریه رفتار عصبی را به منظور کمک به کودکان دارای نقص یادگیری مطرح کرد. درمان را براساس یکپارچگی حسی قرار داد. او می گوید یکپارچگی حسی مختل، عامل اولیه اختلالات یادگیری است. بهبود این زمینه یادگیری نیز تسهیل می شود. پردازش یکپارچه از ادراک ناشی می شود و توانایی ترکیب اطلاعات حسی در تعامل مؤثر با محیط فرد کمک می کند. درمان یکپارچه حسی عمدتاً با مناطق مغزی پایین به ویژه ساقه مغز که نهایتاً بر کفایت سطوح بالاتر و پیچیده تر تأثیر می گذارد، ارتباط دارد. درمان: تحریک لمسی از طریق مالش پوست با مواد متفاوت، تحریک دهلیزی و طبیعی ساختن واکنش های وضعیف بدنی از طریق ترکیب تحریک لمسی و دهلیزی است.

تحریک دهلیزی : چرخیدن در یک تاب یا یک ننوی توری. قرار دادن کودک روی روروک می تواند گیرنده های عمقی کودک را تحریک کرد. سوار شدن روی روروک در موقعیت های متفاوت می تواند بازتاب های حلزون گوشت و عضله گردن را تحریک کند. آیرس کودک را روی یک توپ بزرگ می غلتاند تا از این طریق به او در رشد رفتار بازتاب طبیعی کمک کنند. غلتیدن روی قالی و غلتیدن درون چند تیوب به هم چسبیده مورد استفاده است.

نیول سی کپارت : یکی از پیشگامان آموزش ادراکی حرکتی است و این روش را وسیله ای برای افزایش استعداد تحصیلی و اصلاح اختلال یادگیری بکار برد. تمیز شکل از زمینه- برتری جانبی است- تخته تعادل- چوب موازنه و توری اکروبات- بازیهای رقصی و بازیهای ریتمیک مورد استفاده بود (دانیل دی.ارنهایم - ویلیامز ای، سینکلر، ترجمه ی علیزاده، ۱۳۷۵ ص ۵۶).

برنامه ریزی برای آموزش دستخط :

دانش آموزان دارای مشکلات دستخط - حتی آنهایی که دارای نارسا نویسی هستند- نباید به طور کامل از نوشتن اجتناب کنند، زیرا نوشتن نوعی مهارت ضروری زندگی برای امضای مدارک، پرکردن فرم های درخواست، نوشتن چک، دریافت پیام های تلفنی و یا نوشتن فهرست خرید است (ریچاردز، ۱۹۹۷). معلمان برای طراحی برنامه ی آموزشی، باید حروف خاص، انواع حروف، ترکیب حروف یا سایر ویژگی های دستخطی را که موجب مشکلات دستخط دانش آموزان می شود را شناسایی کنند. سیاهه ی مشخصی را بنویسند (مثلاً ۱ یا ۲ دقیقه). نتایج نمونه های نوشته شده می تواند براساس درصد حروفی که خوانا نوشته شده اند، نمره گذاری شوند (هر حرف بر این اساس مورد واری قرار می گیرد که آیا خوانا نوشته شده است یا ناخوانا) و تعداد حروفی که خوانا نوشته شده است (یعنی تعداد حروف خوانا نوشته شده در هر دقیقه). معلمان می توانند به دانش آموزان یاد بدهند که خودشان پیشرفتشان را ارزیابی کنند. صحت قضاوت دانش آموزان درباره ی خوانا بودن نوشته هایشان می تواند به وسیله ی کارت های پلاستیکی که حروف صحیح را نشان می دهند و یا به وسیله ی ابزارهایی که توسط آنها خودشان اشتباهاتشان را تصحیح می کنند، افزایش یابد (بک، کونراد، و اندرسون، ۱۹۹۶؛ جونز، تریپ، و کوپر، ۱۹۷۷؛ استووویچک، ۱۹۷۹). خودارزیابی می تواند موجب بهبود دستخط دانش آموزان با ناتوانی یادگیری بشود (کوسیویز، ۱۹۹۶؛ هالاهان، لیوید، و گریوز، ۱۹۸۲؛ سوینی، سالوا، کوپر، و تالبرت- جانسون، ۱۹۹۳). همان گونه که تاکنون تأکید شده، توجه اصلی معلم به دستخط باید این باشد که خوانا نوشته شود، کند نباشد و رفته رفته بهبود یابد (هالاهان و کافمن، ترجمه ی علیزاده ۱۳۹۰).

نتیجه گیری و پیشنهادات

معلمان معمولاً با این سؤال مواجه می شوند که خط معمولی را آموزش دهند یا سرهم نویسی را؟ این پرسش اساسی همچنان بدون پاسخ مانده است (گراهام، ۱۹۹۹).

اغلب متخصصان ناتوانی یادگیری آموزش را تنها در یک شکل از دستخط یا سرهم نویسی مجاز می دانند. برخی ها عقیده دارند که نوشتن معمولی برای یادگیری آسان تر است، خوانا تر است، مثل خط کتاب است و مشکلات کمتری در انجام حرکات دارد (جانسون و مایکل باست، ۱۹۶۷). و باید به عنوان تنها شکل نوشتاری آموزش داده شود. برخی دیگر بر این باورند سرهم نویسی، سریع تر، ادامه دار و متصل به هم



است. در این نوع دستخط وارونه سازی حروف کمتر اتفاق می افتد، به دانش آموزان آموزش می دهد که کل کلمه را در یافت کنند و برای نوشتن آسان تر است. به نظر آنها سرهم نویسی باید در ابتدا به صورت تنها شکل نوشتن آموزش داده شود (باس و وافن، ۲۰۰۲، ص ۲۶۵). تحقیقات نشان نداده اند که یادگیری سیستم خط کتابی نسبت به سرهم نویسی آسان تر است یا اینکه کودکان در کدام سیستم می توانند سریع تر بنویسند. در حقیقت دانش آموزان دوره ی دبیرستان ظاهراً نوعی روش نوشتاری مختلط را اختراع کرده اند که در آن خط کتابی را با خط شکسته تلفیق کرده اند (هالاها و کافمن، ترجمه ی علیزاده ۱۳۹۰).

برنامه های مؤثر برای آموزش دستخط بدون فاصله با کودکان دارای نیازهای آموزشی خاص. تدریس مهارت های دستخط برای دانش آموزانی که نقص یادگیری دارند و دارای نیازهای آموزشی خاص هستند غالباً نیازمند یک رویکرد بدیل و جانشین دارند، به این ترتیب برای مهارت های دستخط نویسی باید آن ها را به صورت انفرادی با یک استراتژی و روش ویژه ی فردی آموزش داد. اخیراً برای تعلیم مقدماتی آموزش انفرادی دستخط اعضا و کارمندان جدیدی استخدام کرده اند که از ماسه و چوب برای آموزش کودکانی که دستخط بدون فاصله دارند، استفاده می کنند. و این هم طرح چند حسی است که معلمانی که علاقمندند این برنامه را به کار ببرند، برای کودکانی که خام دست و کم تجربه هستند و تمام حس ها را بکار می برند و از روش چند حسی استفاده می کنند.

این مطالعه ارزیابی و هدایت کودکان خام دست و کم تجربه در نوشتن را در میدان توالی تصحیح دستخط و به علاوه فعالیت و بکارگیری تمام حس ها، روشی را بکار می برند که در امتحان کردن (این دوره) چک لیست ها ملاک و معیار تشخیص و بررسی، پرسشنامه ی معلم و به علاوه مشاهده ی کودکان حین نوشتن می باشد. در نتیجه ی این روش و دانسته ها و مجموعه کارهایی که انجام شده، دستخط توسعه و رشد پیدا می کند و پیشنهادهایی برای به چالش کشیدن کودکان (با دستخط بدون فاصله) و با دانش آموزان با نیازهای ویژه و احتیاجات آموزشی خاص انجام می گیرد (جیمز لهما، ۲۰۱۱).

منابع

- پوشنه و صمدی (۱۳۸۲)، «تاثیر سبک های قلم گرفتن بر میزان خوانایی، دقت و سرعت نوشتن دانش آموزان ابتدایی» تازه های علوم شناختی شماره ۴.
- پیتز کله لور ناچان، روش ها و راهبردها در تعلیم و تربیت استثنایی، ترجمه فرهاد ماهر (۱۳۸۶) انتشارات جیحون.
- تبریزی، مصطفی (۱۳۸۴)، «درمان اختلالات دیکته نویسی» انتشارات فرا روان.
- دانیل دی. ارنهیم- ویلیامز، سینکلر. حرکت درمانی ترجمه حمید علیزاده (۱۳۷۵) تهران انتشارات رشد.
- راغب، حجت اله (۱۳۸۴) راهنمای آموزش پیشرفت نوشتن در پایه اول پڑ و هشکده استثنایی.
- ژانت لرن، ناتوانایی های یادگیری. ترجمه عصمت دانش (۱۳۸۴) انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ساموئل کرک و جیمز چالفانت، اختلالات یادگیری تحولی و تحصیلی (ترجمه سیمین رونقی، خانجانی، وثوقی) ۱۳۷۷ سازمان آموزش و پرورش استثنایی.
- سلیمی، مسعود. اختلال در نوشتن (۱۳۸۷). شماره ۸۰ و ۸۱ تعلیم و تربیت استثنایی.
- شهیم سیموهارون رشیدی همایون. مقایسه عملکرد کودکان دارای اختلال یادگیری کلامی و غیر کلامی در مقیاس تجدیدنظر شده وکسلر، آزمون دیداری حرکتی بندرگشتالت و مقیاس ریاضی ایران کی مت (۱۳۸۶). دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی تابستان ۱۳۸۶.
- کاپلان و سادوک، خلاصه روان پزشکی ترجمه فرزین رضاعی (۱۳۸۸) ارجمند.
- مارک سلیکو تیز، نارسا خوانی و سایر مشکلات یادگیری ترجمه عصمت فاضلی (۱۳۸۳) سیطرون.
- ماریان فراستیک، آزمون پیشرفته ادراکی - بینایی ترجمه مصطفی تبریزی و معصومه موسوی (۱۳۸۴) تهران فرا روان.
- ماندنی، بتول و فرهد، مژگان (۱۳۸۷)، «ارزیابی سن بینایی حرکتی در دانش آموزان با نارسایی ویژه ی یادگیری» پژوهش در حیطه کودکان استثنایی سال نهم.
- نادری، سیف نراقی (۱۳۸۲)، اختلالات یادگیری تهران امیرکبیر
- ناصر حوایی، ماندانا رضایی، اکرم آزاد (۱۳۸۹)، ارتباط عملکرد حسی حرکتی دست با مهارت دست نویسی در دانش آموزان با اختلال



- نوشتن رشدی) مجله پزشکی ارومیه دوره ۲۱، شماره دوم ص ۲۵۴ تا ۲۵۹ تابستان.
- وثوقی، اکرم. (۱۳۸۵)، «مقایسه و تحلیل خطاهای دیکته در دانش آموزان دختر و پسر دارای عملکرد تحصیلی بالا - عادی - دارای مشکلات بیان نوشتاری» دانشگاه آزاد.
 - هالاهان و کافمن، اختلال های یادگیری، ترجمه حمید علیزاده، قربان همتی، صدیقه رضایی و ستاره شجاعی (۱۳۹۰) ارسباران.
 - Azad A, havayee N, Rafie SH, keyhani M. R. (comparison of han sensory - motor skills between normal and dysgraphia children in 9 - 11 ages), this research was supported by Iran University of Medical Sciences (TUMS).
 - Dawn P. Flanagan, Vincent C Alfonso (Essentials of Specific Learning Disability Identification (2011) WILEY.
 - James Lehmann (2011), The Effectiveness of Program 'Handwriting Without Tears' With Students having Special

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی

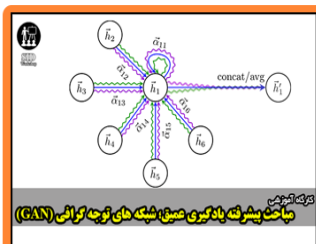


عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی